

تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب بر سه اثر ادبی در هفته کتاب منتشر و رونمایی شد

خواندن قصه‌ها و غصه‌ها از پشت پرده اشک

احمدی | تقریظ‌های حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر سه اثر ادبی مرتبط با جهاد و مقاومت صبح روز چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۴، همزمان با ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و هفته کتاب در بیست و یکمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت منتشر و رونمایی شد. این آثار شامل کتاب‌های «همسفر آتش و برف»، «خانوم‌ماه» و «تب ناتمام» هستند.

■ **کتاب «همسفر آتش و برف»**

رمان مستند «همسفر آتش و برف» نوشته فرهاد خضری برگرفته از خاطرات بیش از ۲۵ سال زندگی مشترک فرحناز رسولی با سردار شهید سعید قهاری است. این اثر، تلفیقی از روایت عاشقانه، زندگی خانوادگی و حماسه‌نظامی است و تصویری از پشت صحنه جهاد و مبارزه را از زبان نزدیک‌ترین همراه فرمانده شهید ترسیم می‌کند. در این کتاب، زندگی فرحناز رسولی همسر سردار قهاری در ابعادی فراتر از همسری توصیف می‌شود: ندای عشق، ایمان، صبر در جدایی‌ها، فراق مأموریت‌های مرزی و مسئولیت‌های خانوادگی همه در هم تنیده‌اند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در تقریظ خود این اثر را کاری «نو و مبتکرانه» در روایت زندگی شهید و همسر او توصیف کردند و آن را اثری «جذاب و اثرگذار» خواندند. ایشان با اشاره به نقش ذهن و زبان شیوای راوی، بر هنر نویسنده و خلاقیت او نیز تأکید کرده‌اند و در پایان برای شهید قهاری، همسر صبور و شجاع او و نویسنده خوش‌ذوق کتاب دعای خیر کرده‌اند.

متن یادداشت ایشان بدین شرح است: بسمه تعالی این، کار نو و مبتکرانه‌ای در نگارش زندگی شهید و همسر شهید است؛ جذاب و اثرگذار. در ترکیب زیبا و شیرین آن یقیناً ذهن و زبان شیرین راوی مؤثر بوده، ولی بی‌شک هنر نویسنده و خلاقیت و نوآوری او نیز نقش مهمی داشته است. سلام خدا بر شهید قهاری و همسر صبور و دانا و شجاع او و درود بر نویسنده خوش‌ذوق و هنرمند کتاب.

کتاب «همسفر آتش و برف» به قلم فرهاد خضری نوشته شده و انتشارات روایت فتح آن را منتشر کرده است.

■ **کتاب «خانوم‌ماه»**

کتاب «خانوم‌ماه؛ روایتی از زن بدون هیچ پسوندی» اثر ساجده تقی‌زاده، زندگی خانم ناز علی‌نژاد همسر شهید شیرعلی سلطانی را روایت می‌کند. برخلاف تصور رایج که همسر شهید بودن صرفاً یک نقش حمایتی است، این کتاب تلاش دارد نشان دهد زن چه نقش محوری، هویتی و تأثیرگذاری در پشت صحنه انقلاب و جبهه دارد و در سه فصل جداگانه، از دوران پیش از ازدواج، زندگی مشترک در مقاطع انقلاب و جنگ و همچنین دوران پس از شهادت همسر روایت می‌شود. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در تقریظ خود این اثر را سرشار از عشق و ایمان توصیف کرده و زبان شیوا و پرداخت هنرمندانه نویسنده را ستوده‌اند. ایشان نوشته‌اند: غصه‌های این بانوی شهید همچون روایت صبر بسیاری از همسران و مادران شهدا، ایشان را نیز غصه‌دار کرده و بخش‌هایی از کتاب را «از پشت پرده اشک» خوانده‌اند.

متن یادداشت ایشان بدین شرح است: بسمه تعالی این کتاب یکسره عشق و ایمان است. نگارنده تا توانسته با ادبیات شیوا و سلیقه رنگین خود، از این عشق و ایمان پرده‌برداری کرده است.

ولی هر چه گویم عشق را شرح و بیان/ چون به عشق آیم خجل باشم از آن. آنچه باید با چشم دل ببینیم بیش از آن است که با چشم صورت خوانده‌ایم. لایه‌های پنهان را جور دیگر باید دید و فهمید. شاید صدای آسمانی حاج شیرعلی در هنگام خواندن دعای کمیل کمکی در این باره بکند یا اشک‌های همسر شهید بر روی سنگ مزارش. غصه‌های این بانو مرا غصه‌دار کرد، مثل غصه‌ها و قصه‌های همسران و مادران دیگر شهدای عزیز، حالات روحانی و معنوی شهید و داغدارانش را در بسیاری از موارد از پشت پرده اشک خواندم، چنان که در زندگی‌نامه‌های شهیدان دیگر. آذر ۱۴۰۱ کتاب «خانوم‌ماه» به قلم ساجده تقی‌زاده نگاشته شده و انتشارات به‌نشر آن را منتشر کرده است.

■ **کتاب «تب ناتمام»**

«تب ناتمام» نوشته زهرا حسینی مهرآبادی، روایت زندگی شهلا منزوی مادر جانباز قطع نخاع شهید حسین دخانچی است. این کتاب تصویری واقع‌گرایانه و تأثیرگذار از زندگی مادری ایشارگر ارائه می‌دهد که سال‌ها با رنج جانبازی و شرایط دشوار پسرش و دشواری‌های زندگی خانوادگی دست‌وپنجه نرم کرده است. شهید حسین دخانچی در عملیات بدر قطع نخاع شد و پس از ۱۷ سال زندگی جانبازی درگذشت؛ مادری که فرزندش را بی‌وقفه پرستاری کرد و در مسیر پرنوسان بیماری ایمان، صبر و عشق خود را حفظ نمود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تقریظ خود این اثر را تصویری روشن از درد و رنج یک جانباز قطع نخاع و تلاش و صبوری مادر او توصیف کرده و به نویسنده و راوی اثر آفرین گفته‌اند.

متن یادداشت ایشان بدین شرح است: بسم الله الرحمن الرحيم تصویر روشنی از درد و رنج جانگداز یک جانباز قطع نخاع و اندوه و تلاش بی‌پایان مادر صبور و پرتحمل و دیگر کسانش در این کتاب ارائه شده است. به راوی و نویسنده باید آفرین گفت. سلام خدا بر حسین دخانچی شهید و بر مادر بردبار و داغدارش. دی ۱۴۰۰

کتاب «تب ناتمام» به قلم زهرا حسینی مهرآبادی نوشته شده و انتشارات حماسه‌پاران آن را منتشر کرده است.

نگاهی به تازه‌ترین ساخته سیاوش اسعدی که در حال اکران است

از «غریزه» تا فیلم‌سازی



این دو در «غریزه» هم شد.

■ **از توقیف تا جاماندن از اسکار**
«غریزه» چهارمین فیلم و البته پرحاشیه‌ترین اثر سیاوش اسعدی است که اوایل فروردین ماه ۱۴۰۰ در منجیل کلید خورود و پس از سه سال توقیف، نخستین نمایش داخلی خود را بهمن ماه سال گذشته در بخش خارج از مسابقه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر تجربه کرد. غریزه سال ۲۰۲۳ در بخش اصلی و رقابتی ۶ جشنواره بین‌المللی به نمایش درآمد و در حالی که خودش را آماده می‌کرد تا یکی از گزینه‌های سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار باشد، در کمال تعجب کمیته انتخاب حتی این فیلم را در فهرست نامزدها هم نگنجاند. با این حال پس از فراز و نشیب‌های بسیار و اصلاحات متعددی که با وجود داشتن پروانه نمایش به غریزه تحمیل شد، این فیلم از چهارشنبه ۳۰ مهرماه، اکران سراسری خود را آغاز کرد.

■ **مسیری که اسعدی در فیلم‌سازی طی کرد**

اسعدی پس از ساخت چندین فیلم کوتاه، در مسیر فیلم‌سازی خود که از سال ۸۷ با «حوالی اتوبان» آغاز شد تا امروز و بیش از دو دهه، چهار فیلم ساخته که هر کدام از آن‌ها در بالا بردن او از پله‌های ترقی و بلوغ و نبوغ فیلم‌سازی‌اش نقش مهمی داشته‌اند. او پس از ساخت نخستین فیلمش که توجه منتقدان را هم به خودش جلب کرده بود سراغ اقتباسی از کتاب «یک داستان فرانسوی» رفت و دهه ۹۰ را با «جیب‌بر خیابان جنوبی» آغاز کرد و این فیلم را در فضایی نوآر ساخت. او که معمولاً وقفه‌هایی چند ساله در فیلم ساختن می‌اندازد، ۶ سال بعد یکی از مهم‌ترین آثارش را ساخت؛ «درخونگاه». فیلمی که اسعدی آن را به مسعود کیمیایی تقدیم کرد، اما ارادت و علاقه او به کیمیایی در تقدیم «درخونگاه» خلاصه نشد. رنگ و بو و تأثیرات فیلم‌سازی کیمیایی هم در آن به خوبی مشهود بود؛ از کانسپت‌های مهمی همچون رفاقت و خیانت و وطن تا دیالوگ‌های جذاب و سینمایی. به سبک کیمیایی با آن ادبیات موزون و شاعرانگی خاص. درخونگاه با روایتی پرتعلیق از خانواده‌ای پر از مشکل و آشفته، رضا را پس از سال‌ها زندگی در ژاپن به خانه برمی‌گرداند. جایی که قرار است مأمّن خستگی‌های اوپس از جان‌کندن‌های شبانه‌روزی در غربت باشد اما با آمدنش همه چیز دستخوش تغییر می‌شود. درخونگاه با روایتی جان‌دار و بازی‌گیر وایک کارگردانی خوب از نقاط عطف فیلم‌سازی اسعدی است؛ اما از دیگر اتفاق‌های مهم درخونگاه همکاری موفقیت‌آمیز امین حیایی و اسعدی است. حضور حیایی در این فیلم بازی درخشان او در نقش رضا میثاق او را بیش از پیش به سمت پذیرفتن نقش‌های جدی در سینما سوق داد. اتفاقی که منجر به همکاری دوباره

پنجره ای رو به ماه

علی باقریان | شعر نو فارسی به رودی بزرگ

می‌ماند که جوی‌های بسیاری از آن جدا شده‌اند؛ البته برخی از این جوی‌ها بسیار شبیه به یکدیگرند یا در نهایت به هم می‌پیوندند. به هر حال، یکی از جوی‌های بزرگ شعر نو آن است که «شعر منثور» می‌خوانیمش و با آسان‌گیری می‌شود به هر نوع شعری که وزن عروضی ندارد یا به آن پایبند نیست اطلاعاتش کرد. اما همین جوی هم چند شاخه دارد: شعر موج نو، شعر دیگر، شعر حجم و شعر ناب. با این همه - چنان‌که آمد - تمیز این شاخه‌ها از یکدیگر و تعیین نمایندگان اصلی آن‌ها چندان آسان نیست، نشان به آن نشان که بسیاری از شاعران معاصر به چند جریان متفاوت و مختلف منسوب‌اند؛ بیژن الهی، احمد رضا احمدی، یدالله رویایی، منوچهر آتشی، همه از این زمره‌اند. بهرام اردبیلی نیز یکی دیگر از این شاعران است که اگرچه نقش و تأثیری بسزا در جریان شعر نو داشته و به‌ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ گروهی از شاعران آوانگارد عصر را رهبری می‌کرده است، اما کمتر از آن دیگران شهرت دارد.

طاهر علفی اردبیلی یا همان بهرام اردبیلی (۱۳۸۴-۱۳۲۱) زندگی و سرنوشت غریبی داشت؛ و همین یکی از دلایل و چه‌بسا مهم‌ترین دلیل گمنامی نسبی او است، که گویی خودش هم آن را خوش می‌داشته است. طاهر علفی که از پدر یتیم شده بود و تنگدستانه ناچار قالی می‌بافت از علم رسمی نیز بهره‌ای نیافت و در شهر خویش آنچه می‌خواست ندید؛ بنابراین جهد کرد و خود را به پایتخت افکند تا مگر آنجا مایه‌ای از خوشدلی بیابد. آنجا، در یک دفتر اسناد مشغول شد و آرام آرام خواندن آموخت، چند سال پس از آن نیز با مهری فروتن

این دو در «غریزه» هم شد.

■ **از توقیف تا جاماندن از اسکار**

«غریزه» چهارمین فیلم و البته پرحاشیه‌ترین اثر سیاوش اسعدی است که اوایل فروردین ماه ۱۴۰۰ در منجیل کلید خورود و پس از سه سال توقیف، نخستین نمایش داخلی خود را بهمن ماه سال گذشته در بخش خارج از مسابقه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر تجربه کرد. غریزه سال ۲۰۲۳ در بخش اصلی و رقابتی ۶ جشنواره بین‌المللی به نمایش درآمد و در حالی که خودش را آماده می‌کرد تا یکی از گزینه‌های سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار باشد، در کمال تعجب کمیته انتخاب حتی این فیلم را در فهرست نامزدها هم نگنجاند. با این حال پس از فراز و نشیب‌های بسیار و اصلاحات متعددی که با وجود داشتن پروانه نمایش به غریزه تحمیل شد، این فیلم از چهارشنبه ۳۰ مهرماه، اکران سراسری خود را آغاز کرد.

■ **«غریزه»؛ تجمع سال‌ها تجربه و عشق به سینما**

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم کارنامه سیاوش اسعدی پر پیمان نیست اما همین چند فیلم به قدر کفایت، قابل و مهم هستند و تازه‌ترین اثرش «غریزه»، تجمع سال‌ها تجربه فیلم‌سازی، عشق به سینما، موسیقی، تاریخ و قصه‌گویی است.

اما وقتی از سینما حرف می‌زنیم دقیقاً از چه می‌گوییم؟ فیلم‌هایی که تمام و کمال به ماهیت و ذات سینما وفادار باشند، اندک‌اند. آن‌هایی که آن قدر غرق در فرم و ویترن‌سازی‌اند که به کل از ساختار و روایت دست کشیدند و آن‌هایی که مشغول معنا شدند و همه چیز را فدای آن کرده‌اند؛ اما «غریزه» هیچ کدام از آن‌ها نیست، بلکه میراث‌دار سینماست و به کفایت همه چیز را در خود جای داده، فیلم در واقع یک نسخه‌امیل سینمایی از داستان گویی در کنار اعجاز تصویر و موسیقی است. غریزه داستان عاشقانه دو نوجوان است که در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی روایت می‌شود. اسعدی در غریزه داستانش را از نقطه درستی آغاز می‌کند، جرقه شقی شورانگیز را می‌زند، شخصیت‌ها را یکی پس از دیگری

در پس پرده پنهان و هویدا می‌کند و حتی زمان‌هایی که کاراکتری را نمی‌بینید اما می‌دانید که هست و حضورش را حس می‌کنید.

■ **یک افتتاحیه جذاب سینمایی**

فیلم با یک قاب سینمایی گیرا آغاز می‌شود؛ نخستین سکانس ورود رسول خان با بازی امین حیایی است که با صورتی آفتاب سوخته و موهایی تُنگ و سیبل‌هایی پرپشت در حالی که پالتویی بلند روی دوشش انداخته و چکمه‌های مشکی براقی به پا دارد، با وقار و ابهتی خاص از اصطبل می‌گذرد تا به تلفن جواب بدهد؛ دیالوگ گویی نشروار یک نفس و تماشایی او یک افتتاحیه جذاب برای حضور یک قهرمان سینمایی است و این نقطه آغازینی است برای اینکه بدانید با یک شخصیت‌پردازی استخوان‌دار و البته دیالوگ‌هایی خوش‌ریتم و ناب طرف هستید

داستان در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی روایت می‌شود، فروغ به همراه دخترش آتیبه به عمارت رسول خان، یار گرمابه و گلستان همسر مرحوم فروغ آمده‌اند، ظاهرأ برای کار مهمی به آنجا سفر کردند که ضرورتش را فقط خان می‌داند و فروغ. در همین برو و بیا هاست که کامران پسر رسول خان،

آتیه را می‌بیند و به او دل می‌بازد. عشق آتشین در دل نوجوان شعله‌ور می‌شود، کامران عاشق سینماست و از علاقه‌اش به سینما برای آتیه می‌گوید و او را با فیلم‌های مـُـورد علاقه‌اش همـَـراه می‌کند.

آنچه در نیمه ابتدایی فیلم می‌بینیم دلدادگی آتیه و کامران است که عشقی نوپا را نوید می‌دهد و با رفتن رسول خان به شهر، فضا برای خوندمایی کامران بیش از پیش فراهم می‌شود.

■ **رد پای سینما در سینما**

«غریزه» اگر چه بر دیالوگ استوار است اما فیلمی خوش ساخت و پر رنگ و لعاب است که در فرم و قالب‌بندی‌های زیبا و چشم‌نواز و طراحی صحنه هم چیزی کم نگذاشته و تصاویر تماشایی در دل جغرافیای بکر جنگلی با موسیقی دلچسب فرزین قره‌گزلو همراه شده و ردایی خاطر‌انگیز و نوستالژیک بر تن فیلم کرده است که یادآور سبک و سیاق فیلم‌های سینمای ایتالیاست.

به ویژه که به بهانه علاقه‌مندی و عشق کامران به سینما، قطعات معروف آثار سینمایی هم ضمیمه فیلم می‌شودو بار نوستالژیک غریزه را سنگین‌تر می‌کند. بخش عمده‌ای از فیلم به روایتی سرخوشانه از عشق آتی و کامی می‌گذرد اما مخاطب فیلم می‌داند خانه که اول فیلم دید و در پس چهره‌اش رازهای مگویی را حس کرده بالاخره یک جایی سر و کله‌اش پیدا می‌شود که یا قرار است زیر بساط این عشق بزنند یا آن را پر و بال پرواز بدهد. اما برش پایانی فیلم به روایتی تکان‌دهنده ختم می‌شود، از قول و قرار رسول و زیور تا برملا شدن رازی بزرگ که چاره‌ای ندارد جز وفا به عهد رفیق. غریزه اگرچه روایتی خطی و روان دارد اما از نیمه‌های راه مسیرش را تغییر می‌دهد و با ضربات تکان‌دهنده‌ای داستان را از مسیر یکنواختی خارج می‌کند و با روشن شدن حقایق، مخاطب را بارها به نقطه آغازین داستان بازمی‌گرداند. در واقع نقطه عطف «غریزه» غافلگیری‌های بی‌دری و توفانی است که از پس آزمشی دلنشین بر سر عاشقان قصه سایه می‌اندازد.

■ **صحنه در اختیار بازیگران نوجوان**

شخصیت‌پردازی‌های دیدنی و بازی خوب بازیگران فیلم به ویژه دو کاراکتر نوجوان از نقاط مثبت غریزه است اما فیلم تازه اسعدی یک حسرت هم دارد و آن هم صاحب عمارت است که زمان زیادی از فیلم در خانه نیست. رسول خان کلیدی‌ترین کاراکتر «غریزه» است، اگرچه حضور کم‌رنگی دارد اما زمان‌هایی هم که نیست حضورش احساس می‌شود و مخاطب می‌داند قرار است داستان با او پیوند محکمی بخورد. رسول با هیبتی از یک خان اصیل با شماییلی مرموز و آرام خلق شده و با بازی قابل تحسین امین حیایی جان گرفته اما سیاوش اسعدی در خرج کردن آن دست و دلبازی نمی‌کند و با وجود اینکه می‌توانست سهم بیشتری به‌او بدهد اما همچنان او را در سایه نگه می‌دارد و در بزنگاه وارد داستان می‌کند، چنین اتفاقی در مورد فروغ و بالطبع زیور هم به اقتضای نقش و اتمسفر داستان رخ داده و همین سبب می‌شود صحنه دربست در اختیار کامی و آتی قرار بگیرد و دو بازیگر نوجوان فیلم هم با بازی هوشمندانه و خلاقه خود چنین موقعیت کم‌ظنری را راج می‌نهند. در نهایت اینکه «غریزه» فیلمی است که قوام دارد، درجا نمی‌زند و به خوبی می‌تواند داستانش را به سرنمزل مقصود برساند و تماشاگر را ساعتی با جهان قصه همراه کند و برایش لذت و جادوی سینما را به ارمغان بیاورد.



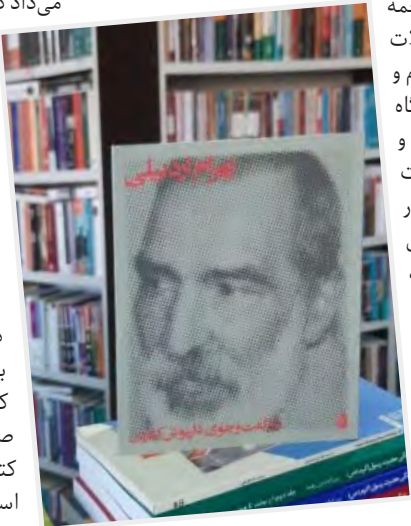
درباره بهرام اردبیلی و شعر او که موضوع کتاب تازه نشر «بیدگل» است

شاعری در قربانگاه

باشد: «[حجم‌گرایی] تپشی است خشن و عصبی، تپش آگاه برای هنر شاعری در انسان دیوانه شعر، که خطر می‌کند، که از قربانی شدن نمی‌ترسد. [...] شاعر حجم‌گرا همیشه بر سر آن است که واقعیتی خلق کند ناب‌تر و شدیدتر از واقعیت روزانه و معمول. [...] کار شعر، گفتن نیست، خلق یک قطعه است؛ یعنی شعر خودش باید موضوع خودش باشد. [...] شعر حجم از دروغ و ایدئولوژی و از حجه‌ر تعهد می‌گریزد.»

روایچه که نویسنده بیانیه مذکور است، بر آن بود که اردبیلی یکی از چهره‌های درخشان شعر حجم است و ضمناً او را در دسته شاعرانی قرار می‌داد که دریافت‌ها و دیده‌هایشان

«از نوشتن سر می‌روند و در متن نمی‌گنجد» و در نتیجه نوشتن را رها می‌کنند و حتی بر آن می‌شوند. در مقابل، کسانی مانند جواد مجابی، اردبیلی را «شاعری متوسط» می‌خوانند. بهترین راه برای داوری درباره این داوری‌ها رجوع به میراث خود شاعر است که می‌گویند در حدود ۶۰۰ صفحه بوده، ولی صورت کتاب نگرفته و از میان رفته است، اما بخشی از آن در



کتاب «بهرام اردبیلی» باز یافتنی است، اثری گفت‌وگویی، همراه با گزیده‌ای از اشعار شاعر، تألیف و تدوین داریوش کیارس. این کتاب را که پیش از این در صورت‌هایی دیگر نشر یافته بود، به تازگی نشر «بیدگل» با اصلاحاتی، در صورتی تازه چاپ و منتشر کرده است، در ۱۸۰ صفحه و به بهای ۴۳۵ هزار تومان. چنان‌که مؤلف این کتاب نوشته است، اشعار گزیده مُهر تأیید اردبیلی را در پای خود دارند.

در بخش‌های سوم و چهارم از شعر «هفت‌پیکر» – که ضمن کتاب دوم «شعر دیگر» آمده است و شاید مشهورترین اثر شاعر باشد– ذیل عنوان «شبانه لیلی به بازخوانی قیس» چنین می‌خوانیم: «می‌خواهمت ای زخم سیاه!// دوان آمده امروز/ با چهار زانوی زخم/ بریده بر کف ایوان.// از نافه آب است/ می‌پیچد/ چنان‌که بر در دریا/ هیون حامل.// بر آتم/ که به عقرب ماه/ آهویی بگزم/ تا راه آبی سپیده شدن/ در قلب و رگ/ بسته شود.// حرامی باز آمدن/ ای مرگ آخرینم!/ عبور کن از شام غریبان دامنم/ ای آذرخش نباتی!// خمیده بشکن/ در خم نارنجی.// به‌سوی آب می‌روم/ کمان ماه/ در آرزوی گلویم./ در آن دقیقه برج/ قسم می‌خورم/ عاشق چشمی نبوده‌ام.// در پیچه ماتم/ گشوده به ایوان شرقی/ قبيله در آتش/ خیال دمیدن/ مقابل من.// بانوی ارجمند!// سینه‌ریز را/ به من ببخشا/ تا رها کنمش/ در تک دریا.// حال/ زمان یادگیری نام زخمی است/ که پنج پکر داشت/ و هفت زبان زهرآگین/ پیچیده بود/ بر هفت پرچم زخمینش.// شب تلخی است/ ماه تلخ/ کمان پذیرفتنی!// سلام به انحنای کشیده‌ات».